

## امکان‌سنجی و جایگاه‌شناسی مباحث «روابط میان‌فردی» در نظام

### فقهی شیعه

#### (با تأکید بر دیدگاه حضرت آیت‌الله اعرافی)

محمد دین محمدی\*

علیرضا اعرافی\*\*

سیدعلی یحیی‌زاده\*\*\*

#### چکیده

«روابط میان‌فردی» یکی از تأثیرگذارترین و کاربردی‌ترین ابعاد زندگی بشری است که بخش عمده‌ای از رفتارهای انسان مدنی را دربر می‌گیرد. گفتمان سعادت‌محور دین اسلام یقیناً عنایت ویژه‌ای به این موضوع تأثیرگذار در سعادت بشر باید داشته باشد. علم فقه به‌عنوان بررسی‌کننده افعال مکلفین، موضوعیت خاصی در بین علوم اسلامی برای تعیین امکان‌سنجی و جایگاه‌شناسی و اهمیت این موضوع دارد. این تحقیق با روش تحلیل محتوای تاریخی و با روش گردآوری کتابخانه‌ای و استقرای تاریخی متن‌محور به دنبال بررسی جایگاه این موضوع در نظام فقهی شیعی است. در نهایت با بررسی برخی مجموعه‌های روایی و قضاوتی، امکان توجه فقهی به این موضوع، معقول به نظر می‌رسد. در ادامه با توجه به عدم وجود دسته‌بندی منسجم در این عرصه و با عنایت به نظرات فقیهانه حضرت آیت‌الله اعرافی، چند دسته‌بندی ابتدایی در راستای نظام‌سازی اولیه پیشنهاد می‌شود که «روابط میان‌فردی» در ذیل روابط خرد اجتماعی تعریف شده است. توجه به برخی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی چون «نقش اجتماعی»، «منزلت اجتماعی» از جمله اعتبارات اصلی این تقسیم‌بندی است.

واژگان کلیدی: امکان‌سنجی، جایگاه‌شناسی، نظام فقهی، روابط میان‌فردی، فقه الاجتماع، فقه روابط میان‌فردی، فقه مضاف.

## ۱. مقدمه

عصر کنونی، «عصر ارتباطات» نام‌گذاری شده است؛ چراکه مهارت‌های ارتباطی نقش تعیین‌کننده‌ای در پذیرش و عدم پذیرش فرد در بستر عمومی جامعه و حتی بسترهای تخصصی جامعه ایفا می‌کند (هارجی، ۱۳۹۰، ص ۹). علاقه‌مندی حیرت‌آوری که در سال‌های اخیر نسبت به ارتباطات میان‌فردی پیدا شده که آن را به یکی از بزرگ‌ترین و مهیج‌ترین حوزه‌های رشته ارتباطات مبدل کرده است (تی وود، ۱۳۷۹، ص ۲۰). تنوع جامعه ما چالش‌ها و فرصت‌هایی را به دنبال دارد. تفاوت‌های جنسیتی، نژادی، طبقاتی، فرهنگی، جنسی، سنی، جسمی، معنوی، ما را با مجموعه متنوعی از دیدگاه‌ها در خصوص هویت و تعامل روبه‌رو می‌سازد (همان، ص ۲۴). ارتباطات میان‌فردی اساس و شالوده هویت و کمال انسان است و مبنای اولیه پیوند وی با دیگران را تشکیل می‌دهد (همان، ص ۳۰).

با توجه به اهمیت این موضوع و نقش بسیار تعیین‌کننده آن در سعادت انسان و با توجه به قاعده لطف می‌تواند چنین نتیجه گرفت که نه تنها پرداخت به این موضوع در فضای شریعت امکان ذاتی و امکان وقوعی دارد، بلکه در صورت تصور منحصر بودن لطف به ارسال رسل و «ممکن» دیدن این لطف، وجود چنین محتوایی، ضرورت عقلی پیدا می‌کند. در فضای درون دینی با پیش فرض گرفتن ادعای مکتب اسلام در داشتن برنامه کامل سعادت انسان و تکامل بشر، شاید نیازی به اثبات امکان‌سنجی ذاتی وقوعی احساس نشود؛ اما در مواجهه با مخاطبان «برون‌دینی» یقیناً پیش فرض‌های اولیه یک فرد «درون‌دینی» - در تصور کامل بودن این دین و برنامه - به درد نمی‌خورد و برای امکان‌سنجی این مسئله باید اقدام به بررسی‌های خارجی شود. علم فقه با توجه جایگاه بی‌بدیلی که در مرجعیت علمی حوزه رفتارهای مکلفین ایفاء می‌کند بزرگ‌ترین بستر تاریخی و علمی است که می‌توان مباحث مربوط به احکام مکلفین در حوزه «روابط میان‌فردی» را در آن پی‌جویی و تحقیق کرد. حال سؤال اصلی این است که آیا واقعاً به این موضوع در دین پرداخته شده است یا نه؟ فرضیه این مقاله براساس علم ارتکازی و اجمالی محقق در فضای فقهات، قابلیت و ظرفیت فضای روایی برای پشتیبانی مباحث «روابط میان‌فردی» است؛ اما با توجه به نوظهور بودن این قالب، احتمال وجود جایگاه معین در فضای فقهات و وجود دسته‌بندی جامع، بعید به نظر می‌رسد. این تحقیق با روش تحلیل محتوای تاریخی و با شیوه گردآوری کتابخانه و استقرای تاریخی متن محور به دنبال «امکان‌سنجی» و جایگاه‌شناسی این موضوع مهم در نظام فقهاتی شیعه می‌باشد. در ادامه با بررسی و تحلیل عقلی ظرفیت‌های منبعی و تاریخی نظام فقهی و همچنین نیم‌نگاهی به مجموعه مسائل علوم مرتبط، تلاش شده است نظام اولیه‌ای برای مسائل این موضوع در ذیل دروس و نظام فکری حضرت آیت‌الله اعرافی پیشنهاد شود.<sup>۱</sup>

۱. حضرت آیت‌الله اعرافی از سال ۹۲ و ذیل بحث «فقه تربیتی» به این موضوع پرداخته‌اند و در سال‌های اخیر با تمرکز

## ۲. پیشینه

با توجه به نوپدید بودن عنوان خاص «روابط میان‌فردی» طبیعتاً نباید انتظار داشت که جایگاهی با این عنوان خاص در تقسیم‌بندی‌های حدیثی و فقهی وجود داشته باشد و به تبع آن وجهی برای توجه به امکان‌سنجی و پرداخت به ابعاد گوناگون و ضرورت‌های مترتب بر این موضوع نیز وجود ندارد؛ اما در دوران حاضر مباحثی نوپدید با عنوان «فقه‌های مضاف» در فضای علوم دینی و فقهات پدید آمده است که عنوان «فقه الاجتماع» مسائل مربوط به «روابط میان‌فردی» را می‌تواند دربر بگیرد؛ اما با توجه به جوان بودن این مباحث، هنوز ریزمسائل این حوزه جایگاه مشخص و منسجمی در نظامات فقهی به خود نگرفته است. برخی افراد معاصر مانند آیت‌الله مصباح در ذیل مباحث فلسفه اخلاق (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۱۶) و همین‌طور آیت‌الله اعرافی در ذیل مباحث «فقه تربیتی» (اعراف، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۱۲) نگاهی اجمالی به جایگاه «فقه اجتماع» داشته‌اند. برخی کتب مانند کتاب فقه اجتماعی (ربانی، ۱۳۹۳) نیز بیشتر به مباحث «فلسفه اجتماع» در این حوزه پرداخته‌اند. مقالاتی چون «مهارت ارتباط کلامی میان‌فردی در قرآن» (پاکزاد، ۱۳۸۹)، «بررسی مهارت‌های ارتباطی بین فردی در سیره معصومان (علیهم‌السلام)» (فیاض، کریمی، ۱۳۸۹) نیز در حوزه مسائل «فقه روابط میان‌فردی» وجود دارند که دارای رویکرد غیر فقهی و مصداق‌محور می‌باشند به هیچ وجه به دنبال امکان‌سنجی و یا نگاه جایگاه‌شناسانه و یا نظام‌ساز در این عرصه نیستند. مقالاتی از سنخ ساختارشناسی فقهی مانند مقاله «بررسی ساختار فقه» (حسن‌زاده، ۱۳۸۳) و یا «جستاری در تقسیم‌بندی باب‌های فقهی و پیامدهای روش‌شناختی آن» (نوبهار، ۱۳۹۴) نیز هرچند به دنبال ارائه ساختار روزآمدتری از نظام فقهی هستند؛ ولی در بررسی‌های صورت‌گرفته ملاحظه شد هیچ‌گونه عنایتی در تقسیم‌بندی‌های خود به مباحث «روابط میان‌فردی» نداشته و جایگاهی برای آن در نظر نگرفته‌اند.

## ۳. اهمیت و ضرورت

با توجه به اهمیت موضوع «روابط میان‌فردی» در علوم رفتاری و ارتباطی و همین‌طور در مباحث جامعه‌شناختی و روان‌شناختی - به خاطر تأثیر مستقیم این موضوعات بر حس رضایت‌مندی مردم از زندگی - به نظر می‌رسد مردم می‌توانند از دین مدعی جامعیت، این توقع حداقلی را داشته باشند که نیازهای آنها را در این حوزه برطرف نماید و یا به عبارت دیگر تکلیف مکلفین را در این دسته از

مسائل به صورت معین مشخص نماید. توجه به این موضوع می‌تواند در دیدگاه کارکردگرایانه، کارایی گزاره‌های دینی در حل مسئله این جهانی را به خوبی نشان داده و علمی مناسب برای حل مسائل ملموس و درگیر در جامعه را به نمایش بگذارد. اثبات وقوعی پرداخت به این موضوع می‌تواند در برطرف شدن بسیاری از شبهات ناظر به کارآمدی دین کمک کند. «همین‌طور این مباحث می‌تواند با شکستن حصر روشی (اثبات‌گرایانه و تقلیل‌گرایانه) حاکم بر گفتمان علوم انسانی، جای پای محکمی برای روش و حیانی باز کرده و با استفاده از بستر ارزشی پنج گزاره‌ای (مستحب و مکروه و حرام و واجب و مباح) کمک خوبی به محمولات ارزشی دو گزاره‌ای<sup>۱</sup> برخی علوم مانند علوم رفتاری در تراحات بنماید» (موسوی، ۱۳۹۴، ص ۱۷).

ضرورت نظام‌مند کردن این مباحث در حوزه فقه بعد از اثبات مطرح شدن آن در منابع دینی و فقهی یکی از ضروریات پیش روی فقه جدید به شمار می‌رود؛ چه اینکه با جدی‌تر شدن بحث اجتهاد متجزی و تخصصی کردن مباحث فقهی و همین‌طور گسترش و جزئی شدن موضوعات فقهی، نظام‌مند شدن و تعیین جایگاه و بررسی ارتباط و تفاوت‌های موضوعات و دسته‌بندی‌ها، یکی از ضروریات غیر قابل انکار پیش روی مباحث فقهی است.

#### ۴. چارچوب مفهومی

در این بخش کلیدی‌ترین عنوان «روابط میان‌فردی» می‌باشد که به بررسی لغوی و اصطلاحی آن پرداخته خواهد شد. تلاش شده است به تمامی ابعاد این مقوله توجه کافی بشود تا در صورت نیاز در مرحله ارائه دسته‌بندی‌های جدید برای این موضوع بتواند مقولات و ابعاد بیشتری را پوشش بدهد.

«روابط» جمع «رابطه» و در زبان فارسی به معنی «آنچه دو تن یا دو چیز را به هم پیوستگی و ارتباط می‌دهد؛ علاقه بین دو تن یا دو چیز؛ علاقه؛ پیوند» (عمید، ۱۳۸۹، ص ۱۲۳).

با توجه به معنی ذکر شده به نظر می‌رسد که «رابطه» در زبان فارسی، مترادف با «ارتباط» بوده و در آن معنای «مشارکت» لحاظ شده است. بر همین اساس با توجه به عربی بودن ماده این لفظ می‌توان گفت که در فضای عربی معادل آن «ارتباط» و «العلاقات» است.

معادل‌های زیادی در انگلیسی برای آن بیان شده است که دو واژه «Relation» و «Communication» از مهم‌ترین آنها می‌باشد که در آنها نیز توجه به «تعامل و اشتراک در ارتباط» از محوری‌ترین مفاهیم تعاریف بیان شده برای آنها می‌باشد.

۱. (خوب / بد)، (درست / نادرست)، (کارآمد، ناکارآمد).

الف) Communication = ارتباط، انتقال، مبادله پیام، ... معنی و غیره باشد (ربر، ۱۳۹۰، ص ۱۷۱)؛

ب) Relation = نسبت، رابطه بین دو یا چند رویداد، شی یا شخص و یا بین دو متغیر، به گونه‌ای که تغییر در یکی از آنها با تغییر در دیگری همراه گردد (همان، ص ۷۹۱). عبارت «میان‌فردی» به معنی «بین دو تن؛ میان دو نفر» می‌باشد (عمید، ۱۳۸۹، ص ۲۱۳) که معادل عربی آن «بین الاثنی» و معادل انگلیسی آن می‌تواند واژه «interpersonal» باشد. در فضای اصطلاحی برخی قائل‌اند که واژه «ارتباط»، واژه‌ای بی‌نیاز از توضیح و یا مفهومی مبهم و مغشوش است و حد و مرز مشخصی ندارد که هولی و کالابرس<sup>۱</sup> علت آن را فراوانی رفتارهایی می‌دانند که جزء ارتباط به شمار می‌آیند (هارجی، ساندرز، دیکسون، ۱۳۹۰، ص ۲۰). اما برخی آن را چنین تعریف کرده‌اند: «ارتباط فرایندی پویا و پیوسته مبتنی بر همگرایی و اعتمادی متقابل است که در آن با استفاده از گفتار، نوشتار، علائم و رفتار، فکر، پیام یا اطلاعات مبادله می‌شود و در «فرایند» مفاهیم ارتباط، فرستنده، گیرنده و پیام وجود دارد» (همان، ص ۲۱). ارسطو در کتاب ریطوریکا با تعریفی که مناسب با فضای علم ارتباطات می‌باشد، آن را «جستجوی وسایل و امکانات موجود برای ترغیب و اقناع دیگران» که شامل تمام روش‌هایی است که از طریق آن ممکن است ذهنی بر ذهن دیگر تأثیر بگذارد (محسنیان‌راد، ۱۳۸۵، ص ۱۰). مراد از ارتباط میان‌فردی «ارتباطاتی رودررو است که تعداد شرکت‌کنندگان آن اندک (معمولاً دو نفر) هستند، نه گروهی بزرگ. ارتباط میان‌فردی، فرایندی است که طی آن اطلاعات، معانی و احساسات را از طریق پیام‌های کلامی و غیر کلامی با دیگران در میان می‌گذاریم» (هارجی، ساندرز، دیکسون، ۱۳۹۰، ص ۱۹). برای اینکه دامنه مسائل و مباحث در این موضوع روشن‌تر بشود به ابعاد گوناگون این مقوله در سه علم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و علم ارتباطات اشاره‌ای می‌کنیم تا در نهایت از این رهگذر برای شناسایی مسائلی که فقه می‌تواند در این موضوع با آن مواجه شود کمکی کرده باشیم.

#### الف) در علم روان‌شناسی

این اصطلاح در علم روان‌شناسی دارای چنان کاربرد وسیع و قابل اهمیتی است که سولیوان نظریه خود در حوزه روان‌شناسی شخصیت را به این نام «theory Interpersonal = نظریه میان‌فردی» نام‌گذاری کرده است (ربر، ۱۳۹۰، ص ۴۶۳).

1. holli and calabrese

همین‌طور اچ، اس، سولیوان در مباحث «روانشناسی شخصیت» معتقد بود، پویایی‌های شخصیت و اختلال‌های بعدی آن در اصل حاصل نیروهای اجتماعی و موقعیت‌های میان‌فردی است. در بخشی از این نظریه تأکید می‌شود آگاهی از شخصیت انسان را فقط می‌تواند از طریق بررسی علمی روابط میان‌فردی به دست آورد (فیست، ۱۳۹۵، ص ۷۲).

در یک تقسیم‌بندی کلان، در علم روان‌شناسی ارتباط به دو نوع کلامی و غیر کلامی تقسیم می‌شود.

ارتباط کلامی تمامی جنبه‌های گفتار و ابزارهای کلامی را شامل می‌شود که در آن چگونگی صحبت کردن از جمله سرعت کلام، تن صدا و آهنگ صدا مطرح می‌شود؛ اما ارتباط غیر کلامی به سایر فعالیت‌هایی گفته می‌شود که کارکرد ارتباطی دارند مثل حالت چهره، ژست‌ها، حرکات بدنی، نحوه لباس پوشیدن و غیره که در یک کلام به آن زبان بدن می‌گویند.

بنابراین با توجه به نکات بیان شده شاید به صورت خلاصه بتوان گفت: «روابط بین فردی فرایندی است که در آن یک فرد اطلاعات و احساسات خود را از طریق پیام‌های کلامی و غیر کلامی به یک فرد یا افراد دیگر می‌رساند» (ارنسون، ۱۳۸۹، ص ۷۰).

#### ب) در علم ارتباطات

در یک تقسیم‌بندی کلان در علم ارتباطات، افراد در سه سطح «درون‌فردی»، «میان‌فردی» و «جمعی» با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند.

ارتباطات درون‌فردی همان ارتباط با خود است و این نوع ارتباط فعالیت‌هایی مثل پرورش افکار، تصمیم‌گیری، گوش دادن و خودنگری را شامل می‌شود.

ارتباط میان‌فردی به ارتباط و مراودات بین دو فرد اطلاق می‌شود. این نوع ارتباط شامل گفتگو، مصاحبت و مذاکره گروهی می‌شود.

در ارتباط جمعی، فرد پیامی را به جمعی از مخاطبان می‌فرستد. این نوع ارتباط ممکن است مستقیم - نظیر ارتباط چهره به چهره که طی آن پیامی از گوینده به شنوندگان منتقل می‌شود - یا مانند پیامی که توسط رادیو تلویزیون پخش می‌شود غیر مستقیم باشد (باستانی، ۱۳۹۴، ص ۸۰).

در این علم نیز «براساس طریقه انتقال» ارتباطات به کلامی و غیر کلامی تقسیم می‌شود که ارتباطات غیر کلامی مهم‌ترین بخش ارتباط میان‌فردی را تشکیل می‌دهد؛ زیرا طبق برخی تحقیقات در این حوزه ۹۳ درصد از پیام به گونه ارتباط غیر کلامی فرستاده می‌شود. از این مقدار ۳۸ درصد آن مربوط به لحن و تن صدا و ۵۵ درصد نشانه‌های چهره‌ای و زبان بدن است (همان، ص ۷۱).

«تی وود» به نقل از «بابر» تقسیم‌بندی جالبی برای تفکیک و معرفی روابط میان‌فردی ارائه می‌دهد: او به سه دسته ارتباط به نام «من و آن» و «من و او» و «من و تو» اشاره می‌کند که مصداق حقیقی ارتباطات میان‌فردی را رابطه «من و تو» می‌داند و درجه متوسط ارتباط را «رابطه من و شما» و رابطه «من و آن» را یک رابطه غیر فردی قلمداد می‌کند (تی وود، ۱۳۷۹، ص ۴۷).

این اصطلاح تعاملی تنگاتنگ با برخی از مهم‌ترین نظریه‌های مطرح در علم ارتباطات از جمله نظریه «تعامل‌گرایی نمادین» جورج هربرت مید و نظریه «نفوذ اجتماعی» ایلویس آلتمن و نظریه «قضاوت اجتماعی» مظفر شریف و... دارد (رئیس، ۱۳۹۱، ص ۱).

### ج) در علم جامعه‌شناسی

این اصطلاح در علم جامعه‌شناسی نیز تأثیرات و تبعات خاص خود را به همراه دارد. چنان‌که در کتاب فرهنگ جامعه‌شناسی از آن با عناوین «روابط میان‌فردی= interpersonal relations» و «مهارت‌های میان‌فردی= skills interperonal» یاد می‌شود (هوشمند، ۱۳۸۹، ص ۲۰۱).

در علم جامعه‌شناسی این دسته از روابط زیرمجموعه «جامعه‌شناسی خرد»<sup>۱</sup> قرار می‌گیرند که نقطه مقابل «جامعه‌شناسی کلان»<sup>۲</sup> است که گروه‌های بزرگ، نهادها و نظام‌های اجتماعی را مطالعه می‌کند.

در جامعه‌شناسی خرد، تجزیه و تحلیل در سطح افراد و گروه‌های کوچک انجام می‌گیرد. در حالی که در جامعه‌شناسی کلان نظام‌های سیاسی و اقتصادی موضوع بحث هستند که شامل تحلیل فرایندهای درازمدت تغییر است.

همانند آن چیزی که در علم روان‌شناسی و ارتباطات از جایگاه ویژه این اصطلاح در بین نظریه‌های مطرح شده بیان شد؛ اینجا هم شاهد نقش تعیین‌کننده این اصطلاح در بسیاری از نظریه‌های جامعه‌شناختی می‌باشیم تا جایی که گیدنز در کتاب جامعه‌شناسی خود فصلی به این مطلب اختصاص داده است:

«کنش متقابل اجتماعی، فرایندی است که طی آن با کسانی که پیرامون ما هستند، کنش واکنش می‌کنیم» (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۱۱۴).

1. MICRO\_SOCIOLOGY.

2. MACRO\_SOCIOLOGY.

## ۵. امکان سنجی

ضرورت پرداخت به این موضوعات در «علم فقه» به عنوان علمی که متکفل پرداخت به «احکام مکلفین» از دو منظر قابل توجه است.

اولاً: علم اجمالی برگرفته شده از برهان کلامی مبتنی بر قاعده لطف، اقتضای این را دارد با مفروض گرفتن جایگاه بی بدیل مسائل «روابط میان فردی» در به سعادت و کمال رساندن انسان و مفروض گرفتن «لطف ممکن» بودن رسل، خدای حکیم بشر نیازمند به هدایت در چنین امور خطیری نیز راهنمایی خاص کرده باشد؛ یعنی مناسبات ضرورت ارسال رسل در این برهان، اقتضای ضرورت پرداخت به چنین موضوع مهم و اثرگذار در حوزه سعادت و هدایت انسان‌ها را نیز می‌تواند داشته باشد که به تبع آن ضرورت فحوص را برای فقیه به اثبات می‌رساند؛

ثانیاً: «روابط میان فردی» به عنوان یک امر موجود و مسئله و دغدغه واقعی مکلفین، تحقق خارجی داشته و مورد سؤال مکلفین می‌باشد که تخصصی‌ترین مرجع پاسخگویی به آن در بین علوم، یقیناً «علم فقه» و «سیستم فقهت» می‌باشد.

این نکات برای اثبات امکان ذاتی وقوعی پرداخت به چنین موضوعاتی در فضای دین و علی‌الخصوص در فضای فقهت، کافی به نظر رسیده و امتناع آن را یقیناً از بین می‌برد؛ در گام بعدی با توجه به قاعده «ادل دلیل علی امکان الشی وقوعه» باید وقوع مصداقی و تحقق خارجی این احتمال و امکان در فضای دیانت و در فضای فقهت مورد بررسی قرار بگیرد که این کار در دو مرحله «ظرفیت سنجی منبعی» و «ظرفیت سنجی سیستمی» می‌تواند انجام شود:

### الف) منابعی

مراد از منبع در این مقام، منابع متنی دین اسلام یعنی «قرآن» و «روایات» است. در این فضا توجه به نکات مفسرین و محدثین و تقسیم‌بندی‌های آنها نیز گام بعدی ظرفیت سنجی قلمداد می‌شود. با مراجعه‌ای اولیه و اجمالی به قرآن و روایات، به عناوین فراوانی برخورد می‌کنیم که به حوزه روابط میان فردی مربوط است؛ برای نمونه: «دوستی و دشمنی»، «حسن ظن و سوء ظن»، «صداقت و دروغ»، «خوش اخلاقی و بد اخلاقی»، «خوش کلام بودن و بدزبانی»، «غیبت»، «تهمت» و ...

نمود خارجی این توجه در بعضی از تقسیم‌بندی‌های کتب حدیثی به صورت ملموسی قابل مشاهده است؛ از جمله شیخ حرّ عاملی در وسائل الشیعه در ضمن کتاب الحج در فصلی با عنوان «أبواب أحكام العشرة فی السفر و الحضر» و ضمن ۱۶۶ باب، به بسیاری از عناوین مربوط به روابط میان فردی اشاره می‌کند (عاملی، ج ۱، ص ۱۲-۳۱۲). علامه مجلسی نیز در بحار الأنوار در



کتاب العشرة که تمام دو جلد ۷۱ و ۷۲ و اوایل جلد ۷۳ را به خود اختصاص داده، چنین رویکردی داشته است. پس اصل پرداخت و توجه شارع به بحث «روابط میان‌فردی» کاملاً در فضای منابع شریعت محسوس است؛ ولی هیچ تقسیم‌بندی مستقل و یا نظام‌روایی منسجمی برای آن تا کنون با عنوان «روابط میان‌فردی» در نظر گرفته نشده است و به تبع آن نظام مسائل متناسب با آن نیز در فضای حدیثی و تفسیری هنوز متولد نشده است؛

### ب) سیستمی

در این بخش به دنبال شناسایی و بررسی میزان توجهات بالفعل شده فقها در سیستم فقه‌ای شان در بحث «روابط میان‌فردی» می‌باشیم. در علم فقه شاهد ارائه تقسیم‌بندی‌های متفاوتی برای تفکیک شفاف‌تر موضوعات و احکام مربوط به مکلفین هستیم. حال باید دید که انواع سیستم‌های فقه‌ای چه میزان از توجه خود را به مقسم‌های کلان و یا ریزموضوع یاد شده مصروف کرده‌اند.

در میان عالمان شیعه، کهن‌ترین تقسیم‌بندی فقه‌ای متعلق به مرحوم کلینی در کتاب کافی (کلینی، ۱۴۰۷) است. (اعرافی، ۱۳۹۳، ص ۴۰۳) وی روایات مربوط به اصول عقاید و اخلاق را در بخش «الاصول من الکافی» و اخبار فقهی را ذیل چهار عنوان «عبادات»، «معیشت»، «نکاح» و «حدود» در کتاب الفروع من الکافی و احادیث متفرقه را ذیل کتاب الروضه من الکافی جمع‌آوری و دسته‌بندی نموده است. از جمله اولین فقهایی که رویکرد فقه‌ای را به ادبیات حدیثی اشراب کرد «سلار دیلمی» در کتاب المراسم العلویه (دیلمی، ۱۴۱۴، ص ۲۸) و «شیخ طوسی» در کتاب المبسوط (طوسی، ۱۳۶۳) در ذیل هشت کتاب است که فقه را به دو بخش عبادات و معاملات تقسیم کرده و بخش معاملات را به دو بخش عقود و احکام تقسیم‌بندی می‌کنند. مباحث مربوط به ایقاعات و دیه و قصاص<sup>۱</sup> نیز در بخش احکام مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تقسیم‌بندی در المراسم العلویه به صورت مشهودتری قابل رویت است.

در این تقسیم‌بندی‌ها در بخش معاملات به اعتبار تعاملی که در مفهوم آن قابل دریافت است، مکانی برای مباحث اجتماعی قابل تصور است؛ ولی هیچ عنایت خاصی به قید «احکام میان‌فردی» و یا «احکام اجتماعی» در آن دیده نمی‌شود.

«ابن‌براج» در المهذب، احکام شرعی را به دو بخش «احکام مورد ابتلا» و «احکام غیر مورد ابتلا» تقسیم می‌کند که منظور از احکام مورد ابتلا بیشتر عبادات می‌باشد (حلبی، ۱۴۰۶، ص ۱۸). در این تقسیم‌بندی هیچ نوع رویکرد واضحی برای تفکیک مباحث اجتماعی از غیر آن قابل مشاهده نیست.

۱. جنایات و غیر جنایات.

یکی از جامع‌ترین و مرجع‌ترین تقسیم‌بندی‌ها، تقسیم‌بندی محقق حلی است که احکام را به چهار بخش عبادات، عقود، ایقاعات و احکام خاص تقسیم‌بندی می‌کند (حلی، ۱۴۱۲، ص ۱). عبادات، احکامی هستند که در انجام آنها قصد قربت لحاظ شده است به خلاف عقود و ایقاعات و احکام خاص؛ عقود و ایقاعات مربوط به تعهدات انسانی است که در «عقود» این تعهد دو طرفی و در «ایقاعات» یک طرفی می‌باشد؛ اما احکام خاص مربوط به احکامی می‌باشد که در آنها هیچ قصد قربت و تعهدی لحاظ نشده است.

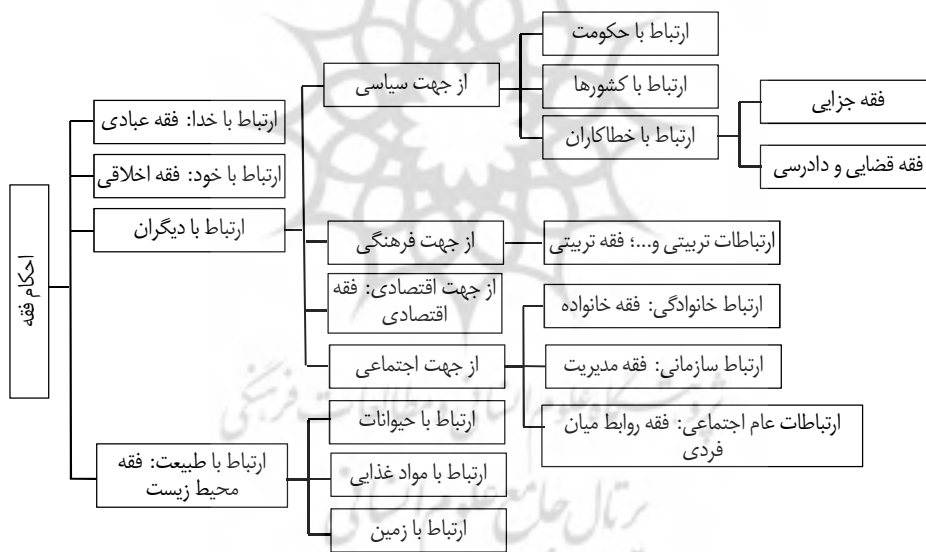
این تقسیم‌بندی که بعدها توسط شهید اول در قواعد (عاملی، بی تا، ص ۳۰) و فاضل مقداد در التفتیح الرائع لمختصر الشرایع (مقداد، ۱۴۰۴، ص ۴) تکمیل شد، اموری مانند «مرتبط با امور اخروی و دنیوی» و همین‌طور «عوامل مضر و سودمند در سعادت» به‌عنوان بخشی از مؤلفه‌های جدید تأثیرگذار در ارائه این تقسیم‌بندی به اعتبارات نظام فقهی اضافه شد. شاید با تسامح بتوان بخشی از مباحث احکام اجتماعی را در ذیل حوزه عقود و ایقاعات و بخشی را در حوزه احکام خاص طرح و بررسی کرد؛ اما باز هیچ اعتبار مشخصی برای تفکیک حوزه مسائل «روابط میان‌فردی» با سایر حوزه‌های اجتماعی قابل مشاهده نیست.

فیض کاشانی در کتاب‌های فقهی و حدیثی خود مثل وافی، معتصم الشیعه و مفاتیح الشرایع، ترتیب نوینی را پیش گرفته و با ادغام برخی از بخش‌ها و جابه‌جایی آنها، تدوین جدیدی از فقه و حدیث پدید آورده است. وی فقه را به دو بخش «فن عادات و معاملات» و «فن عبادات و سیاسات» تقسیم کرده است (فیض کاشانی، ۱۹۶۹، ج ۱، ص ۱۴)، بخش عادات و معاملات ظرفیت بررسی روابط «میان‌فردی» را دارد؛ ولی سرفصلی با این عنوان در این کتاب موجود نمی‌باشد.

شهید صدر جزو معروف‌ترین و متأخرترین افرادی است که به نظام‌سازی در حوزه فقه اقدام نمود و برای این منظور در کتاب الفتوی الواضحه احکام را به سه دسته «عبادات»، «اموال» و «سلوک» تقسیم‌بندی کرد. مهم‌ترین بخش این ابداع که مناسب فضای بحث ما می‌باشد مربوط به بخش سلوک می‌شود. ایشان این بخش را به «سلوک عام» و «سلوک خاص» تقسیم‌بندی کرده و «روابط اجتماعی» را یکی از بخش‌های سلوک خاص معرفی می‌کنند (صدر، ۱۳۹۶، ج ۱، ص ۴۶). در میان پیشگامان ایجاد نظام فقهی روزآمد در دوران معاصر می‌تواند به دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی و آیت‌الله اعرافی و آیت‌الله مشکینی و محقق ارجمند جناب آقای حسین حسن‌زاده اشاره کرد. آقای بی‌آزار شیرازی در کتاب رساله نوین خود (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۵۴) فقه را به چهار بخش «عبادات»، «مسائل اقتصادی»، «مسائل خانواده»، «مسائل سیاسی و حقوقی» تقسیم می‌کند (حسن‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۲۸۲). آیت‌الله مشکینی در کتاب الفقه الماثور (مشکینی، ۱۴۱۷، ص ۱۸)

با تقسیم‌بندی فقه به شش بخش «عبادات»، «شئون فردی»، «شئون عاقلیه»، «اموال فردی»، «ولایات» و «شئون قضائیه و جزائیه» دسته‌بندی متفاوتی را ارائه می‌دهند. (حسن‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۲۸۴) جناب حسن‌زاده نیز با تقسیم‌بندی فقه به «معاملات بالمعنی الاعم» و «معاملات بالمعنی الاخص» تلاش کرده است تمامی موضوعات مطرح فقهی را ذیل نظام خود تعریف نماید؛ (حسن‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۲۹۰) اما هیچ‌کدام از این تقسیم‌بندی‌ها نگاه مستقلی به احکام روابط میان‌فردی نداشته و فقط برخی از مصادیق آن مانند مسئله «امر به معروف» برایشان دارای اهمیت است. اما آیت‌الله اعرافی در کتاب فقه تربیتی نگاه متفاوتی به این مسئله داشته و جایگاه مشخصی برای «فقه روابط میان‌فردی» در نظر می‌گیرند (اعرافی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۴۱۲).

ایشان با توجه به نقصان‌هایی که در هرکدام از دسته‌بندی‌های یاد شده وجود دارد، منظومه مطلوب فقهی خود را براساس یک تقسیم‌بندی مشهور که مورد توجه بسیاری از متأخرین از جمله آیت‌الله مصباح (مصباح، ۱۳۸۴، ص ۲۱۶) می‌باشد را چنین طرح‌ریزی می‌کنند (اعرافی، ۱۳۹۱، ص ۴۱۶).

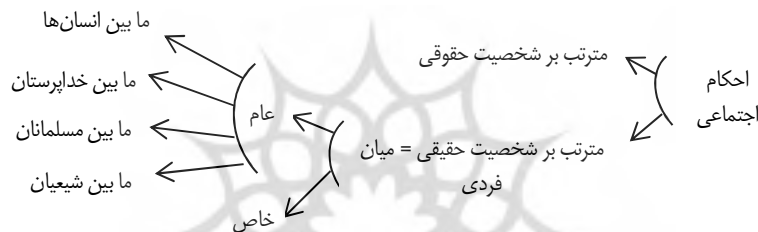


برای ورود مناسب‌تر توجه به چند نکته حائز اهمیت است:

- در این تقسیم‌بندی شامل تعاملات اختیاری انسانی در سه سطح «گرایش»، «نگرشی» و «رفتاری» می‌شود؛ بنابراین احکام مربوط به وظایف انسان نسبت به سایر موجودات از جمله خدا و طبیعت، از محل بحث ما خارج می‌باشد. رابطه انسان با خود نیز چون دارای طرف نسبت «غیر» نیست، از محل بحث خارج است؛

۲. این احکام تمامی رفتارهای صفاتی (جوانحی) و رفتاری (جوارحی) و تمامی ابعاد آن را دربر می‌گیرد از جمله مصادیق مباحثی و مسیبی؛ یک‌سویه و یا متقابل، کلامی و غیر کلامی و سلبی و یا ایجابی و علل، آثار، ساز و کارهای تحقق و موانع آن را دربر می‌گیرد. ایشان برای اولین بار، برای تفکیک حوزه مسائل روابط میان‌فردی از غیر آن، با معیار قرار دادن «شخصیت حقیقی و حقوقی»، روابط میان‌فردی را چنین تعریف می‌کنند:

«ارتباطات و تعاملاتی بین الاینی مابین انسان‌ها که به اعتبار شخصیت حقیقی آنها صورت می‌گیرد» (اعرافی، ۱۳۹۶). ایشان با ارائه این تعریف خاص از «ارتباطات میان‌فردی» دسته‌بندی جدیدی را در بخش احکام ارتباط با دیگران از جهت اجتماعی مطرح می‌کنند که توضیح آن از این قرار است:



۱. مترتب بر شخصیت حقوقی: که منظور از آن توجه به مناسباتی که در یک سازمان و براساس قوانین خاص صورت می‌گیرد؛ ارتباط حکومت‌ها و دولت‌ها با یکدیگر (فقه السیاسة=فقه سیاست)، ارتباط دولت‌ها با مردم (فقه الدولة=فقه حکومت) و یا ارتباط مابین مدیر و کارمندان (فقه مدیریت) از جمله این‌گونه مسائل به شمار می‌روند.

۲. مترتب بر شخصیت حقیقی: دسته‌ای از احکام فقهی که به احکام روابط میان افراد با توجه به جنبه حقیقی آنها می‌پردازد که از آن با عنوان «فقه روابط میان‌فردی» یاد می‌شود. این بخش از روابط در دو فضا قابل بررسی می‌باشد.

این تقسیم‌بندی یکی از شفاف‌ترین تقسیماتی است که جایگاه مشخصی برای «روابط میان‌فردی» تعریف می‌کند.

## ۶. نظام‌سنجی (براساس نظام فقهی آیت‌الله اعرافی)

در ادامه به دنبال ارائه و بررسی نظام مسائلی هستیم که در ذیل عنوان «روابط میان‌فردی» قابل طرح است که به علت محدودیت واژگانی مقاله، تنها به ذکر نظام مسائل «روابط میان‌فردی» از منظر آیت‌الله اعرافی بسنده کرده و با محور قرار دادن این نظام سعی در تحلیل و تکمیل این نظام تازه

تولد یافته برآمدم. ایشان در ادامه تقسیمات خود و انحصار مسائل روابط میان‌فردی در حوزه مسائل مترتب بر شخصیت حقیقی اقدام به تفکیک آنها با معیار «خاص» و «عام» بودن می‌نمایند که تعریف ایشان از خاص و عام به قرار زیر است:

**الف) خاص:** به ارتباطاتی گفته می‌شود که سازمان‌محور نیست؛ ولی در چارچوب یک نظام معنایی خاص و چارچوب‌بندی شده مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ مانند رابطه استاد و شاگرد (فقه تربیتی)، رابطه همسایه با همسایه، رابطه دوست با دوست، رابطه فروشنده و مشتری. به این دسته از احکام در کتب و ابواب فقهی اشاره شده و فصل و عنوان خاصی به آن اختصاص داده شده است که شاید بتوان به بیش از پنجاه رابطه میان‌فردی خاص اشاره کرد؛

**ب) عام:** این قسم تمامی ارتباطاتی که تحت هیچ سازمان یا نظام‌واره معنایی مورد بررسی قرار نمی‌گیرد را شامل می‌شود که با توجه به روایات می‌تواند آنها را به چهار دسته تقسیم کرد.

۱. تکلیف انسان در قبال عموم انسان‌های دیگر؛

۲. تکلیف انسان در قبال موحدان و دینداران؛

۳. تکلیف انسان در قبال مسلمانان؛

۴. تکلیف انسان در قبال شیعیان.

این تعریف با تعریف‌های بیان شده در حوزه جامعه‌شناسی و روان‌شناسی و علوم ارتباطات تفاوت‌هایی دارد. از جمله اینکه در تعاریف مطرح شده در حوزه علوم انسانی هیچ منعی برای بررسی‌های روابط سازمانی در حوزه «روابط میان‌فردی» وجود ندارد؛ ولی در تعریف ایشان جایگاه بررسی این‌گونه مسائل -مانند رابطه مدیر و کارمند، رئیس‌جمهور و مردم- در همان بخش مخصوص به آن سازمان می‌باشد که با توجه به تخصصی شدن علوم، این تفکیک، یک تفکیک علمی قابل قبول به نظر می‌رسد.

#### ۶-۱. مناقشه

اما ابهام در تعریف معنای «حقیقی» و «حقوقی» بودن روابط، یکی از نکات پیچیده این تقسیم‌بندی می‌باشد. شخصیت حقوقی، اصطلاحی است برگرفته از علم حقوق که تعریف آن از این قرار است:

«از اجتماع افراد یا تمرکز اموال برای انجام دادن مقاصد انتفاعی یا غیر انتفاعی بنا بر تعریف قانونی به وجود می‌آید؛ مانند مؤسسات دولتی، انجمن‌ها، کانون‌ها و شرکت‌های تجاری» (یاسری، ۱۳۸۳، ص ۱۴۴).

«شخص حقوقی عبارت است از دسته‌ای از افراد که دارای منافع و فعالیت مشترک هستند یا پاره‌ای از اموال که به هدف خاصی اختصاص داده شده‌اند و قانون برای آنها شخصیت مستقلی قائل است، مانند شرکت‌های تجاری، دولت، دانشگاه تهران، انجمن‌ها؛ بنابراین شخص حقوقی موجودی است اعتباری که برای رسیدن به اهداف خاصی پدید آمده است» (مدنی، ۱۳۹۲، ج ۷، ص ۹۲).

و در عین حال شخصیت حقیقی را چنین تعریف می‌کنند: «همه افراد بشر اشخاصی حقیقی هستند که با متولد شدن دارای حقوق و سپس قادر به اجرای آن می‌گردند» (همان).

با توجه به تعریف ارائه شده عناوین غیر سازمانی‌ای مانند بائع و مشتری و پدری و پسری و همسایگی و... جایگاه واضحی در هیچ یک از تعاریف نداشته و در عین حال لحاظ اعتباراتی مانند «مسلمان، موحد، شیعه» ابهاماتی در حقیقی بودن شخصیت اعتبار شده به وجود می‌آورد. برای برون‌رفت از این ابهام، کارهای علمی متفاوتی می‌تواند صورت بگیرد.

## ۲-۶. نظام پیشنهادی

برای رفع ابهام مطرح شده می‌توان دو کار انجام داد؛ یا اشکالات و ابهامات تقسیم اول را برطرف گردد و یا اقدام به یک نظام‌سازی جدید بشود که هر دو بخش در ادامه توضیح داده خواهد شد.

## ۱-۲-۶. اصلاح تقسیم‌بندی

در این گام تلاش می‌شود با حفظ واژه «شخصیت حقیقی» و «شخصیت حقوقی» به‌عنوان معیار تقسیم، با اصلاح دامنه معنایی آن و جعل برخی اصطلاحات جدید، با کمک‌گیری از تقسیمات جامعه‌شناسی، ابهامات تقسیم‌بندی قبل برطرف گردد. در این راستا شخصیت حقیقی و حقوقی چنین تعریف می‌شود:

۱. شخصیت حقیقی: تمامی انسان‌ها در عین حالی که از لحاظ دارا بودن هویت انسانی یکسان هستند دارای شخصیت منحصر به فردی است که قابل تبدیل و تعویض نمی‌باشد. این شخصیت منحصر به فرد که فقط یک مصداق در عالم می‌تواند داشته باشد همان شخصیت حقیقی افراد است. شخصیت‌های حقیقی به این اعتبار هیچ‌گونه برتری نسبت به یکدیگر نداشته و هرکدام به‌تنهایی مصداقی کامل از تحقق انسانیت به شمار می‌روند؛

۲. شخصیت حقوقی: شخصیتی که برای یک فرد در قالب یک سازمان یا نهاد اجتماعی و یا یک نظام معنایی اعتبار می‌شود که بر چگونگی و کیفیت ارتباطات وی با دیگران تأثیرگذار می‌باشد. این شخصیت یک امر ثانیاً و بالعرض بر شخصیت حقیقی هر فرد عارض شده و باعث

قوت و ضعف‌هایی در میزان تأثیرگذاری و تأثیرپذیری افراد نسبت به یکدیگر می‌شود. این شخصیت برخلاف شخصیت حقیقی، قابل تبدیل و تعویض و تعدد و حتی تجمیع می‌باشد؛ به عبارت دیگر افراد مختلف امکان به دست آوردن این شخصیت را داشته و در عین حال می‌تواند در یک زمان در قالب چند شخصیت حقوقی ایفای نقش نمایند.

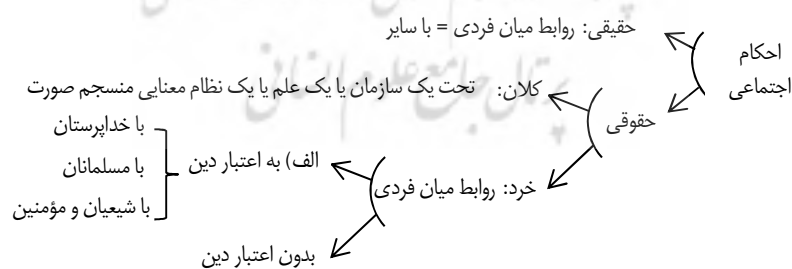
این تعریف، تعریفی اعم از تعاریف علم حقوق می‌باشد که با مفهوم جامعه‌شناختی «نقش‌های اجتماعی»<sup>۱</sup> همخوانی بسیاری دارد. «نقش‌های اجتماعی توقعاتی هستند که به صورت اجتماعی تعریف می‌شوند و هر کس در هر موقعیت اجتماعی معینی از آنها پیروی می‌کند» (گیدنز، ۱۳۸۷، ص ۴۴). پس می‌توان گفت پدری و مادری، ریاست، قضاوت و روابط بین مردان و زنان و نسل‌ها و شغل‌ها، نوعی از نقش اجتماعی است (محسنی، ۱۳۷۵، ص ۲۳۲).

براساس این تعریف هرگونه شأنیت، منزلت و جایگاهی که فراتر از شخصیت حقیقی هر فرد برای او لحاظ می‌شود، یک شخصیت «حقوقی» به شمار خواهد آمد؛ بنابراین تأثیرات و تأثرات ناشی از دینداری در افراد ذیل این عنوان باید مورد بررسی قرار بگیرند.

در ادامه می‌توان تقسیم‌بندی را با تفکیک ابعاد شخصیت حقوقی چنین تکمیل کرد:

**الف) مسائل کلان:** تجزیه و تحلیل در سطح گروه‌های بزرگ، نهادها و سازمان‌ها و نظام‌های اجتماعی و علمی؛

**ب) مسائل خرد:** تجزیه و تحلیل در سطح افراد و گروه‌ها و مفاهیم کوچک انجام می‌گیرد. در ادامه با توجه به تغییر و اصلاح تعاریف و با حفظ حداکثری جایگاه مصادیق تقسیم‌بندی اول می‌توان چنین گفت که هرگونه رفتار خارج از هویت‌های سازمانی و یا منزلت‌های یک چارچوب علمی می‌تواند مصداقی برای «روابط میان‌فردی» محسوب شود.



بر این اساس می‌تواند چند جایگاه برای مباحث میان‌فردی در این تقسیم‌بندی مشاهده کرد:

۱. احکام اجتماعی حقیقی: احکام مربوط به روابط مابین انسان‌ها که بدون لحاظ هیچ‌گونه منزلت و شأن اجتماعی مد نظر قرار می‌گیرد، «احکام اجتماعی حقیقی» نامیده می‌شود. با توجه به این تعریف، روابط با موحدان، مسلمانان و مؤمنان باید در قسم روابط میان‌فردی حقوقی مورد بررسی قرار بگیرد؛

۲. احکام اجتماعی حقوقی خرد: که در دو قالب قابل بررسی می‌باشد:

الف) به اعتبار دین: در این بخش، به احکامی پرداخته می‌شود که شارع با عنایت خاص نسبت به بحث ایمان و تأثیر آن در روابط اجتماعی، برای فرد مکلف وظایفی نسبت به سایر خداپرستان و یا سایر مسلمین و یا سایر مؤمنین معین می‌فرماید؛

ب) بدون اعتبار دین: شامل تمامی احکام مربوط به تعاملات خرد انسانی می‌شود که تحت تأثیر هیچ نقش سازمانی و یا جایگاه معین یک نظام علمی و یا منزلت ایمانی نیست مانند مسائل مربوط به همسایگی و دوستی و... .

در این تقسیم‌بندی احکام اجتماعی حقوقی کلان به دسته‌ای از احکام فقهی اطلاق می‌شود که به بررسی تکلیف مکلفین در چارچوب یک سازمان یا یک نظام علمی و یا چارچوب معنایی منسجم می‌پردازد؛ مانند فقه سیاست، مدیریت.

#### مناقشه

حفظ جایگاه مؤلفه‌های «شخصیت حقیقی» و «شخصیت حقوقی» باعث اشکالاتی در تعریف می‌شود که برخی از آنها از این قرار است:

۱. پراکندگی حاکم بر اقسام «روابط میان‌فردی»؛

۲. مغایرت معنایی برخی از اصطلاح جعل شده با تعاریف شایع آن در حوزه علم حقوق.

این امور ما را بر آن می‌دارد که راهکار دیگری را نیز برای برون‌رفت از ابهام مورد بررسی قرار دهیم.

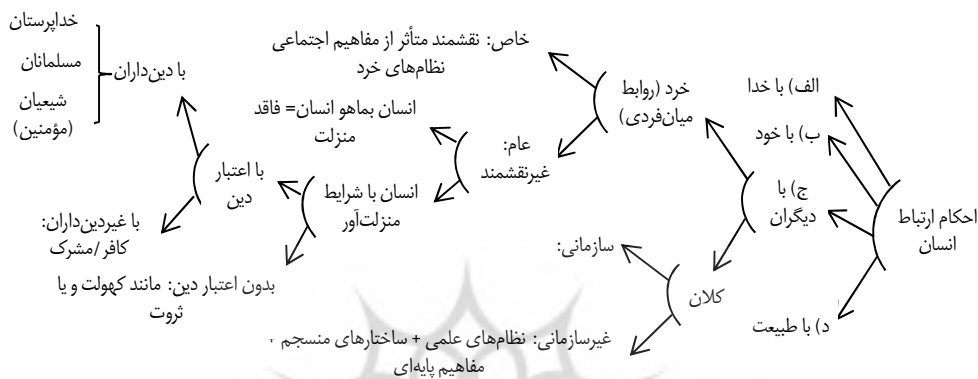
#### ۶-۲-۲. تقسیم‌بندی جدید

برای پرهیز از اشکالات بیان شده و پرهیز از مناقشه اخیر می‌توان تقسیم‌بندی جدیدی نیز ارائه کرد که اشکالات قبلی بر آن وارد نباشد.

در این راستا مفهوم مشکل‌ساز «شخصیت حقیقی و حقوقی» را از تقسیمات کنار گذاشته و با تکیه بر عناوین جدیدی در بستر «کلان» و «خرد» - که تعریف آن گذشت - تلاش می‌کنیم با یک ادبیات هماهنگ با ساختارهای مفهومی سایر علوم اجتماعی - به خصوص جامعه‌شناسی - کار



تعامل، نقد، تحول را هموارتر می‌سازیم. این نظام پیشنهادی از قسمت‌ها و تقسیمات زیر تشکیل شده است که در گام اول احکام ارتباطات هر فردی براساس ارتباط با خدا، خود، دیگران و طبیعت به چهار بخش تقسیم می‌شود و با ورود به فضای «روابط با دیگران» که همان روابط اجتماعی است مسائل به دو فضای خرد و کلان تقسیم می‌شود که توضیح آنها از این قرار است:



### الف) کلان

در این بخش تجزیه و تحلیل احکام در سطح گروه‌های بزرگ، نهادها و سازمان‌ها و نظام‌های علمی و ساختارهای منسجم صورت می‌گیرد؛ مانند نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام مدیریتی، مقوله فرهنگ و... با توجه به خارج بودن این موضوع از محل بحث به یک تعریف و توضیح اجمالی از این اقسام کفایت می‌کنیم.

#### ۱. سازمانی

دسته‌ای از احکام فقهی به ارتباطات سازمان‌مند میان انسان‌ها توجه دارند که در آن رفتار افراد متأثر از یک نوع ارتباط سازمانی و با توجه به جایگاه آنها نسبت به کل مجموعه و جایگاه‌های افراد دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ مانند «فقه سیاست» که در آن، احکام مربوط به حکومت، حاکم و مردم و همین‌طور کیفیت ارتباط افراد حاضر در ارکان حکومت با یکدیگر و همین‌طور با مردم مورد توجه فقیه قرار می‌گیرد. بعضی از خصوصیات این گروه عبارت است از:

۱. امکان تغییر جایگاه و نقش مکلف با تغییر درجه منزلتی او در تمامی نقش‌ها وجود دارد؛ مثلاً شخصی که زمانی کارمند بوده و می‌تواند با بالا رفتن منزلت حقوقی‌اش دارای مقام مدیریتی نیز بشود و همان شخصی که مدیرش بوده به‌عنوان کارمند برایش مشغول به کار شود؛

۲. مخاطب می‌تواند، یک گروه به صورت عام باشند که در آن مخاطب معینی مقصود اصلی مخاطب نیست؛
۳. طرف خطاب بیشتر شخصیت حقوقی افراد است نه شخصیت حقیقی آنها؛
۴. افراد قبل از ورود به مجموعه با نقش‌های سازمانی تعریف شده مشخصی مواجه هستند که باید طبق آنها حرکت کنند که قابلیت تغییر میزان مسئولیت نقش‌ها هر لحظه امکان دارد که البته برای تغییر این نظام باید نظر مساعد تمامی سلسله‌مراتب مافوق جلب شود؛
۵. شخص برای ورود به این قسم به نوعی متأثر از تصمیم یک جمع می‌باشد؛
۶. در این قسم منزلت‌ها دارای درجه‌های مافوق و مادون است.

## ۲. غیر سازمانی

این بخش به دسته‌ای از احکام فقهی عنایت دارد که موضوع آن یک سازمان مشخص نیست، بلکه با یک نگاه کلان‌تر رابطه مابین سازمان‌ها و یا کلیدی‌ترین ارکان مشترک تأثیرگذار در تمامی فرایندهای اجتماعی و یا هر نظام علمی ساختارمند مورد توجه آن می‌باشد.

مقوله‌های فرهنگ و علم‌هایی مانند اقتصاد و همین‌طور عوامل تأثیرگذار کلان و مشترکی مانند عدالت، امنیت و اقتصاد از جمله عمده‌ترین عناوینی است که می‌تواند در این بخش مورد بررسی قرار بگیرد.

### ب) خرد

در این بخش تجزیه و تحلیل احکام در سطح افراد و یا گروه‌های کوچک انجام می‌گیرد که در آن روابط انسان‌ها بدون هیچ‌گونه تأثیر و تأثر از عناوین و جایگاه‌های سازمانی مورد لحاظ می‌باشد که در تمامی حالات مخاطب، مخاطب، شخص معلوم و فرد معینی می‌باشد (به خلاف روابط مطرح شده در اقسام کلان) و دو بخش می‌توان آن را مورد بررسی قرار داد:

### ۱. خاص

در این بخش به بررسی روابطی پرداخته می‌شود که متأثر از نقش‌های اجتماعی و منزلت‌های مترتب بر آن - در گروه‌های کوچک اجتماعی مثل خانواده، محله، ... - است که هنوز مباحث آن به درجه‌ای از انسجام و ساختارمندی نرسیده‌اند که در قالب یک علم مورد بررسی قرار بگیرند. از این دسته با عنوان «روابط میان‌فردی خاص» یاد می‌شود بخشی از وجوه تمایز آن با سایر اقسام از این قرار است:

الف) هنوز مجموعه مباحث و مطالب آن قابلیت عنوان «علم» شدن را ندارند؛  
 ب) قوانین مطرح شده در این بخش یا به صورت غیر نظام‌مند (غیر مکتوب و غیر مبسوط) و یا در قالب‌های بسیار محدود و با ابعاد کوچک می‌باشد؛  
 ج) با اینکه در این بخش نیز با یک نوع ارتباط متأثر از جایگاه اجتماعی که تولید منزلت اجتماعی می‌کند مواجه هستیم (یک فرد بالاتر و یک فرد پایین‌تر تصور می‌شود) ولی باز قالب‌های تخاطبی آن فردی بوده و جنبه شخصیت حقیقی افراد پررنگ‌تر از جنبه شخصیت حقوقی آنها می‌باشد.

## ۲. عام: (فاقد نقش اجتماعی)

این بخش عهده‌دار بررسی احکامی است که در آنها تفاوت در خصوصیت‌ها موجب ایجاد یک نقش اجتماعی خاص نمی‌شود مانند پیر بودن، یا زن بودن و یا مؤمن بودن و... که اگر از واجدین یکی از این خصوصیات در مورد نقش اجتماعی آنها سؤال شود هیچ‌گاه نقش خود را پیر بودن و یا زن بودن و یا مؤمن بودن در جامعه معرفی نمی‌کنند برخلاف نوع خاص که نقش پدر بودن یا فرزند بودن یک نقش قابل تعریف در جامعه است. از این بخش با عنوان «روابط میان‌فردی عام» یاد می‌شود که به دو بخش عمده قابل تقسیم است:

الف) انسان بماهو انسان: در این بخش احکام مترتب بر ارتباط میان انسان‌ها به لحاظ خصوصیتی مورد بررسی قرار می‌گیرد که افزون بر صدق نداشتن نقش اجتماعی بر آن، موجب هیچ برتری و منزلتی نیز برای واجدین آن نمی‌تواند باشد. برای نمونه می‌تواند به ارتباط مابین زنان و مردان، ارتباط دوستی، همسایگی و... اشاره کرد. علی‌رغم امکان اعتبار برخی از قیده‌های خاص در این بخش مانند «جنسیت»، «همجواری»، «محبت» و... هیچ‌کدام از طرفین تخاطب دارای هیچ فضیلت و برتری نسبت به طرف مقابل آن نمی‌باشد. این قسم به روابط عام انسانی (انسان بماهو انسان) اشاره دارد.

ب) انسان با لحاظ شرایط منزلت‌آور: در این بخش علی‌رغم عدم امکان انتساب نقش‌های اجتماعی به خصوصیات متمایزکننده شاهد لحاظ نوعی منزلت در واجدین برخی از خصوصیات در مقابل فاقدین آن هستیم؛ مانند توجه به خصوصیت ایمان و یا کهولت سن و یا ثروت مادی که در عین اینکه یک نقش اجتماعی نیستند؛ ولی در آنها نوعی اعتبار منزلت و برتری نسبت به سایر اقسام ملاحظه می‌شود. برای نمونه در فضای شریعت مقوله ایمان و اعتقاد به خدای متعال و فرستادگان او در عین اینکه جایگاه و یا نقش اجتماعی به حساب نمی‌آیند؛ ولی می‌توانند در کیفیت تعامل انسان‌ها با یکدیگر تأثیرگذار باشند واجدین آن دارای تمایز و منزلتی نسبت به فاقدین آن در

اتمسفر دینی هستند. احکام این بخش از روابط میان فردی را می‌تواند در چهار بخش مورد بررسی قرار داد:

۱. رابطه مکلف با فرد بی دین: منظور از بی دین، شخصی است که منکر خدای متعال است؛
۲. رابطه مکلف با فرد دیندار: که در سه فضای «رابطه فرد مکلف با مخاطب موحد»، «رابطه فرد مکلف با مخاطب مسلمان غیر شیعی»، «رابطه فرد مکلف با مخاطب شیعی» می‌تواند مورد بررسی قرار بگیرد.

#### ۷. جمع‌بندی

با بررسی نظام‌های فقهی با فرض عنایت آنها به مباحث اجتماعی به نظر می‌رسد که برای احکام مربوط به مسائل «روابط میان فردی» جایگاه مشخص و منفکی نسبت به سایر اقسام مباحث اجتماعی وجود ندارد؛ اما با توجه به اهمیت جایگاه مسائل روابط میان فردی و علم اجمالی به عنایت شارع به این مسائل می‌توان با تدقیق در بسط و تفکیک دامنه مسائل اجتماعی، جایگاه منطقی و متمایزتری برای مباحث «روابط میان فردی» یافت که علاوه بر رعایت هماهنگی حداکثری با حوزه مسائل این موضوع در علوم مهمی مانند جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ارتباطات، می‌تواند به کمک گفتمان شرعی نظامات جدید و منسجم‌تری را برای تفکیک در حوزه مسائل علوم به جامعه علمی پیشنهاد داد.

## منابع

۱. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۱)، فقه تربیتی، تحقیق سیدنقی موسوی، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
  ۲. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۳)، فقه تربیتی (مبانی و پیش‌فرض‌ها)، ج ۱، محقق سیدنقی موسوی، قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
  ۳. اعرافی، علیرضا (۱۳۹۶)، فقه روابط میان‌فردی، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، (در دست چاپ).
  ۴. اعرافی، علیرضا، <https://www.eshragh.com-erfan.com>
  ۵. ارنسون، الیوت (۱۳۸۹)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه حسین شکرکن، تهران: رشد.
  ۶. باستانی، قادر (۱۳۹۴)، اصول و تکنیک‌های برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، تهران: ققنوس.
  ۷. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۷۹)، رساله نوین، قم: دفتر نشر فرهنگ اسلام.
  ۸. پاکزاد، عبدالعلی (۱۳۸۹)، «مهارت ارتباط کلامی میان‌فردی در قرآن»، مجله معارف، شماره ۸۰، ص ۲۲-۴۵.
  ۹. تی‌وود، جولیا (۱۳۷۹)، ارتباطات میان‌فردی (روان‌شناسی تعامل اجتماعی)، ترجمه مهرداد فیروزبخت، تهران: مهتاب.
  ۱۰. حسن‌زاده، حسین (۱۳۸۳)، «بررسی ساختار فقه»، قیاسات، دوره ۹، شماره ۳۲، ص ۲۶۱-۲۹۳.
  ۱۱. حلبی (ابن براج)، عبدالعزیز (۱۴۰۶)، المذهب، ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
  ۱۲. حلبی (علامه حلبی)، حسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۲)، منتهی‌المطلب فی تحقیق المذهب، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
  ۱۳. دیلمی (سلار دیلمی)، ابوعلی (۱۴۱۴)، المراسم العلویه، تحقیق محسن الحسینی، [بی‌جا]: المعاونه الثقافیه للمجمع العالمی لاهل البيت علیهم‌السلام.
  ۱۴. ربانی، محمد باقر (۱۳۹۳)، فقه اجتماعی، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
  ۱۵. ربر، آرتور (۱۳۹۰)، فرهنگ توصیفی روان‌شناسی، ترجمه دکتر یوسف کریمی و دیگران، تهران: رشد.
  ۱۶. رئیسی، سمیه (۱۳۹۱)، نظریه‌های ارتباط میان‌فر
- [http://public\\_relations89.blogfa.com/post/35](http://public_relations89.blogfa.com/post/35)
۱۷. صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۶)، الفتوی الواضحه، چاپ دوم، نجف: مطبعه الاداب.

۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۳)، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المكتبه المرتضویه.
۱۹. عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی، [بی تا]، القواعد و الفوائد، محقق و مصحح: سید عبدالهادی حکیم، ج ۱، قم: مفید.
۲۰. عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ عمید، تهران: اشجع.
۲۱. مقداد (فاضل مقداد)، ابو عبدالله (۱۴۰۴)، التنقیح الرائع لمختصر الشرایع، محقق و مصحح: سید عبداللطیف حسینی کوه کمری، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۲. فیاض، ایراندخت و مرضیه کریمی (۱۳۸۹)، «بررسی مهارت‌های ارتباطی بین فردی در سیره معصومان (علیهم السلام)»، دوفصلنامه تربیت اسلامی، شماره ۱۰، ص ۷-۲۵.
۲۳. فیست، جس و گرگوری جی فیست (۱۳۹۵)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر روان.
۲۴. فیض کاشانی، ملاح محسن (۱۹۶۹)، مفاتیح الشریعه، حص، بیروت: بی نا.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷)، الکافی، چاپ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. گیدنز، انتونی (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ دوم، تهران: نشر نی.
۲۷. مدنی، جلال الدین (۱۳۹۲)، حقوق مدنی، تهران: پایدار.
۲۸. مشکینی، علی (۱۴۱۳)، فقه الماثور، قم: الهادی.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴)، اخلاق در قرآن (مشکات)، ج ۱، قم: مؤسسه امام خمینی.
۳۰. موسوی، سیدنقی (پاییز و زمستان ۱۳۹۴)، «تبیین چرایی فقه تربیتی»، مطالعات فقه تربیتی، شماره ۱۱.
۳۱. محسنی، منوچهر (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی عمومی، تهران: طهوری.
۳۲. محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۸۵)، ارتباط‌شناسی: ارتباطات انسانی (میان فردی، گروهی، جمعی)، تهران: سروش.
۳۳. نوبهار، رحیم (۱۳۹۴)، «جستاری در تقسیم‌بندی باب‌های فقهی و پیامدهای روش‌شناختی آن»، فصلنامه راهبرد، شماره ۷۶، ص ۷۹-۱۰۵.
۳۴. هارجی، اون؛ کریستین ساندرز و دیوید دیکسون (۱۳۹۰)، مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی، تهران: رشد.
۳۵. هوشمند، مهرداد (۱۳۸۹)، فرهنگ جامعه‌شناسی، تهران: آوای نور.
۳۶. یاسری، علی (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر مبانی کاربردی سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی، تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مؤسسه عالی بانکداری ایران.